

# با اکران مهم ترین فیلم های سال در بدترین زمان

بحرانی ترین اوضاع سینما

چاپ شده در : روزنامه اعتماد

زمان انتشار : آذر ماه ۱۳۹۱

این یادداشت در اصل یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

\*

\*

تلاش های گوناگون نگرش رسمی و نماینده آن در دل مدیریت فرهنگی مسلط بر سینمای کشور یعنی معاونت سینمایی وزارت ارشاد برای محدودسازی سینماگران و محصولات اندیشه و مرارت های آنان، نه تازگی دارد و نه تمامی خواهد داشت. بی تعارف و فارغ از ملاحظات سیاسی مربوط به جناح های مختلف، این جایگزین شدن روش ایجاد ممانعت به جای فراهم ساختن امکانات توسط ارشاد، در سینمای تمامی دوره ها و حتی هشت سال فعالیت دولت اصلاح طلب هم با جلوه های متعدد توقیف و توقف، جریان داشته است .

اینها را گفتم تا وقتی می خواهم از پسوند "ترین" برای توصیف کاری استفاده کنم که این روزها دارد به دست و به ضرب و زور مدیریت حاکم بر سینمای کشور در "برخورد" - و نه در "رفتار" - با سینمای جدی و دارای دغدغه و خلاقیت و ایده های نو صورت می گیرد، نزد خودم که همواره بیش از بقیه مچ خودم را می گیرم، به این متهم نشوم و حکمی بدون نظر به پسزمینه تاریخی صادر کرده ام. در تاریخ سینمای بعد از انقلاب، این که نهادهایی بیرون از دامنه تصمیم گیری وزارت ارشاد برای آن تعیین تکلیف کنند، البته در موارد معدودی همچون «مارمولک» و «مکس» و «نقاب» رخ داده بود. اما همان اتفاق ها هم دایر به رأی نظارتی فراتر از نظارت و ارزشیابی خود معاونت سینمایی بود؛ نه نتیجه مداخله گروه های شخصی و نه حاصل اعلام خودمختاری مجموعه ای مانند حوزه هنری که اساساً باید به عنوان «مالک»

اقتصادی - و نه «راهبر» فکری و فرهنگی - چندین و چند سالن سینما، در محدوده سیاست ها و مجاز و ممنوع های وزارت ارشاد عمل کند. اما میزان بی قدرتی و کم توانی وزارتخانه کنونی در دفاع از فیلم های دوران خود در مقابل این تحرکات مانع ساز، در تمام این سه دهه و سه سال، استثناء مطلق است. همچنین، این تصمیم گیری صد در صد سلبی و انکاری که تمام - تأکید می کنم که «تمام» - فیلم های مطرح و مهم سال را به اکران معمولاً مرده و کم رونق پیش و پس از جشنواره فجر بسپاریم یا در واقع دچار کنیم، در هیچ سالی به این شدت سابقه نداشته است. «بی خود و بی جهت» و «پذیرایی ساده» و «پله آخر» و «زندگی خصوصی آقا و خانم میم» و «بغض» و حتی فیلم جنگی و باارزش «ملکه» که البته شعارهای باب طبع دوستان را درباره جنگ سر نمی دهد، همه به همین چاله افتاده اند. به دلیل شباهت بین سلیقه های دوستان با نظرات عامی ترین سطوح جامعه که به محض دیدن یکی دو همصحبتی میان زن و مردی درباره رابطه آنها بدترین قضاوت ها را روا می دارند، تکلیف فیلم محترم و کاملاً اخلاقی «برف روی کاج ها» همچنان ناروشن است و این می تواند با توجه به انتخاب این فیلم از سوی تماشاگران جشنواره به عنوان محبوب ترین فیلم شان، حتی توهین به نظر مردمی که نه عامه تماشاگر، که دلواپسان و علاقه مندان بالندگی این سینما هستند، تلقی شود. در کنار این بی سابقه گی ها، وقتی این واقعیت تلخ را هم به یادآوریم که برای اولین و - تا این جا - آخرین بار، فیلم منتخب منتقدان و کارشناسان سینمایی در جشنواره گذشته یعنی «بی خود و بی جهت» در هیچ رشته بخش مسابقه حتی نامزد دریافت جایزه نشد، می توانیم در به کار بردن صفات عالی منفی مانند محدودترین، دشوارترین و بی معیارترین دورانی که بر این سینما می رود، مطمئن تر شویم.